

درآمدی بر تعامل ادبیات داستانی و سیاست

● محمدصادق کوشکی*

چکیده

مقوله سیاست از مهمترین عناصر مؤثر بر ابعاد گوناگون جوامع بشری است و در این میان ادبیات داستانی به عنوان بخشی برجسته از حوزه‌ی فرهنگ تحت تأثیر سیاست و در تعامل با آن دچار تحولات و دگرگونی‌های قابل توجهی شده است. این نوشتار تلاش می‌کند تا با ارائه‌ی یک تقسیم‌بندی سه‌گانه، از نحوه‌ی ارتباط میان ادبیات داستانی و مقوله‌ی سیاست به گوشه‌هایی از تعاملات این دو حوزه اشاره‌ای داشته باشد.

ادبیات به عنوان یکی از حوزه‌های زندگی انسان و همانند سایر حوزه‌های دیگر بر کنار از تأثیرات سیاست نبوده و نیست. سیاست به عنوان امری فراگیر تمامی عرصه‌ی جامعه را دربر دارد و باید تأثیرپذیری پدیده‌های اجتماعی از مقوله‌ی قدرت را به عنوان یک اصل بدیهی پذیرفت. در این میان حیطه‌ی هنر و خصوصاً ادبیات داستانی به واسطه‌ی دلایلی چند و از جمله لطافت و دقت و اهتمام هنرمند نسبت به جامعه و محیط اطراف، تأثیرات قابل توجهی از سیاست پذیرفته است. این نوشتار قصد بررسی تمامی تأثیرات مقوله‌ی قدرت و سیاست بر ساحت هنر را ندارد و تنها به بررسی مواردی از تأثیر سیاست بر ادبیات داستانی و تعامل میان این دو پدیده می‌پردازد. ادبیات داستانی از قدیمی‌ترین هنرهای بشری است و قدمت آن شاید به قدرت زبان و کلام باشد هرچند

داستان نویسی به شکل جدید آن و به عنوان زیرمجموعه‌ای از هنرهای هفت‌گانه از جمله دست‌آوردهای تمدن بعد از رنسانس مغرب زمین به شمار می‌آید و عمده‌ی آثار مهم داستانی نیز به قلم نویسندگان غربی به نگارش درآمده‌اند اما نباید از پیشینه‌ی این هنر که در تمام اقوام بشری به صورت افسانه و حکایت و مانند آن جاری و ساری بوده غافل شد. در بررسی ادبیات سیاسی می‌توان به این تقسیم‌بندی کلی دست یافت:

۱- داستان‌هایی که با هدفی سیاسی نوشته شده‌اند و در واقع داستان به عنوان ابزاری در خدمت اهداف سیاسی نویسنده درآمده است.

۲- داستان‌هایی که سیاست به عنوان موضوع آنها واقع شده و ممکن است هیچ هدفی سیاسی را تعقیب نکند.

۳- داستان‌هایی که فارغ از مقولات و اهداف سیاسی نگاشته شده‌اند اما در خلال آنها به برخی مسائل و یا اهداف سیاسی اشاره رفته است. در توضیح قسمت سوم می‌توان چنین گفت که داستان‌نویس به عنوان آینه‌ای است که به صورتی ناخودآگاه منعکس کننده‌ی محیط اطراف خود است و هر قدر که موضوع داستان خصوصی و یا انتزاعی و یا برکنار از اجتماع باشد، می‌توان رگه‌هایی از این بازتاب محیط و جامعه را در داستان او یافت. جالب اینجاست که در برخی اوقات داستان‌هایی این چنین از آنجا که ذهن نویسنده در انتقال محورها، مصادیق و موضوعات سیاسی دخل و تصرفی انجام نداده است، در مقایسه با داستان‌هایی با موضوعات و یا اهداف سیاسی، تصویر کامل‌تری از اوضاع جامعه و روابط قدرت درون آن را در اختیار خواننده قرار می‌دهد. داستان‌های نوع اول بیشتر از زاویه دید سیاستمداران به رشته تحریر درآمده‌اند تا ادیبانه و هرچند که در میان گروه اول، آثار ارزشمندی به چشم می‌خورد اما بار ایدئولوژیک این‌گونه داستان‌ها بیشتر است تا ارزش ناب هنری آنها (البته این امر فی حد ذاته نقطه ضعف این دسته از داستانها محسوب نمی‌شود، چرا که تبلیغ یک عقیده‌ی سیاسی یا دفاع از آن در قالب هنر داستان‌نویسی، اگر به صورت ماهرانه‌ای انجام شود خود نوعی هنر محسوب می‌شود).

بسیاری از آثاری که طی جنگ سرد و خصوصاً در دو سوی درگیر در این مبارزه‌ی ایدئولوژیک نگارش یافته‌اند و اجد این خصیصه‌اند آثاری مانند: قلعه‌ی حیوانات و ۱۹۸۴ (آثار جورج اورول نویسنده انگلیسی) و یا مادر (آثر ماکسیم گورکی نویسنده‌ی روس)

که هرچند در سال‌های قبل از جنگ سرد نوشته شده اما به عنوان یک اثر تبلیغی مارکسیستی شدیداً مورد استفاده مبلغان ایدئولوژی مارکسیسم و کمونیسم قرار گرفته است از نمونه‌های ایرانی این دسته می‌توان به رازهای سرزمین من (رضا براهنی) و باغ بلور (محسن مخلصیان) اشاره کرد. ویژگی قابل توجه این دسته از آثار در این است که چون نویسنده قصد طرح و تبلیغ یک عقیده‌ی سیاسی و یا دفاع از آن و یا حمله به آن را داشته، لذا به انتقال واقعیت پایبندی چندانی نداشته و از این رو این دسته آثار معمولاً مآخذ و منابعی جهت کسب اطلاعات سیاسی به شمار نمی‌آیند.

دسته دوم که شامل داستان‌هایی با موضوعات و مضامین سیاسی می‌شود، بیشتر به سیاست به عنوان یک پدیده از مجموعه پدیده‌ها و رویدادهای اجتماعی می‌نگرد تا هدف و یا مرامی جهت تبلیغ و همین ویژگی باعث می‌شود تا نویسنده در اثر خود خصلت آینه بودن خود را بهتر به کار گیرد و در ترسیم پدیده‌های سیاسی دقت بیشتری از خود نشان دهد و همین ویژگی این دسته از آثار را به منبع و پایگاه مناسبی جهت کسب اطلاعات درباره‌ی موضوعات و رویدادهای سیاسی تبدیل می‌کند. این شیوه از داستان‌نویسی می‌تواند تا حدود قابل ملاحظه‌ای با روش تفهیمی ماکس وبر^(۱) در زمینه پژوهش‌های سیاسی اجتماعی و خصوصاً انتقال نتایج این پژوهش‌ها به مخاطبین، منطبق باشد. چرا که داستان‌نویس ناگزیر است جهت ترسیم هرچه واقعی‌تر و هنری‌تر پدیده‌های سیاسی نگاهی دقیق و موشکافانه به این پدیده‌ها را داشته باشد از نمونه‌های مشهور این دسته می‌توان جنگ و صلح (اثر تولستوی نویسنده‌ی روس) و شکست (اثر امیل زولا نویسنده‌ی فرانسوی) را نام برد. سومین گروه که طیف وسیعی (به نسبت دو دسته قبل) از آثار ادبیات داستانی را شامل می‌شود. هرچند در ظاهر و به شکل مستقیم به مقولات سیاسی نمی‌پردازد (و حتی در برخی اوقات نویسندگان این گروه نه علاقه‌ای به این قبیل موضوعات داشته‌اند و نه به عقیده و ایدئولوژی سیاسی خاصی دل بستگی نشان داده‌اند) اما از خلال آنها می‌توان به توصیفات و گزارش‌های دقیقی درباره‌ی پدیده‌های سیاسی دست یافت. هرچند که نمی‌توان یک انسان هنرمند را فاقد تمایل و دلبستگی نسبت به مسائل سیاسی و برکنار از محیط و جامعه‌ی اطراف خود تصور کرد (اما منظور از عدم تمایل و دخالت نویسنده در مسائل سیاسی در مقایسه با تمایلات و علایق سیاسی نخستین دسته از نویسندگان مورد اشاره‌ی این نوشتار

می‌باشد) پژوهشگران و علاقه‌مندان مسائل سیاسی می‌توانند با آمیختن نگاه سیاسی و برداشت هنری ادبی در هنگام مطالعه‌ی آثار دسته سوم علاوه بر بهره‌برداری هنری به کسب اطلاعات و نکته‌های ظریف و جالب توجه سیاسی نیز بپردازند. هرچند این دسته طیف بسیار وسیعی از خانواده‌های ادبیات داستانی را شامل می‌شود. اما جهت معرفی نمونه‌های شاخص این دسته به معرفی تعدادی از این آثار می‌پردازیم.

مجموعه آثار آنتوان چخوف نویسنده‌ی شهیر روس، مجموعه آثار نیکوس کاوانت زاکیس نویسنده‌ی توانای یونانی^(۲) و مجموعه آثار جان اشتاین بک نویسنده‌ی آمریکایی و برنده‌ی جایزه‌ی ادبی نوبل^(۳) اشاره کرد. در این میان با اندکی مفاشات حتی می‌توان آثاری مانند بربادرفته (اثر مارگارت میچل نویسنده‌ی آمریکایی) را نیز جز این دسته محسوب نمود. از میان نمونه‌های فارسی این گروه می‌توان به برخی از آثار جلال آل احمد (سه تار، مدیر مدرسه، دبیر و بازدید و...) و سووشون و شهری چون بهشت (سیمین دانشور) اشاره کرد. البته آثار ادبی بزرگی مانند بینوایان (ویکتور هوگو نویسنده‌ی فرانسوی) ژرمینال (نویسنده‌ی فرانسوی) و... قطعاً در این تقسیم‌بندی جای می‌گیرند. پرداختن به شیوه‌ی پردازش هر یک از این آثار به مقوله سیاست و بررسی نگاه هر یک از آنان به این موضوع قطعاً مستلزم دقت در هر یک از این آثار و مرور آنها می‌باشد این نوشتار تنها سعی در آن داشت که تا سرحد امکان دریچه‌ای تازه به این مقوله (حضور سیاست در ادبیات و میزان تأثیرگذاری آن برهنه داستان نویسی) بکشاند. قطعاً اظهارنظرها و احیاناً، نقد و اصلاح این تقسیم‌بندی به درک جدیدی از آمیختگی دو مقوله‌ی سیاست و ادبیات داستانی خواهد انجامید.

پی‌نوشت‌ها:

1. Versthen

جهت آشنایی بیشتر با روش تفهمی ر.ک:

The fontana Dictionary of modernthought

۲. مشهورترین آثار سیاسی اجتماعی کازانتزاکیس عبارتند از: آزادی یا مرگ، مسیح باز مصلوب، سرگشته راه حق

۳. رمان خوشه‌های خشم اثر جان اشتاین بک درخشان‌ترین اثر این نویسنده در حوزه‌ی سیاست و اجتماع محسوب می‌شود.